

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Reading the Multiple Discourses of the Eighth Biennial of Iranian
National Painting Based on Manuel Castells' Theory of Culture
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

خوانش گفتمان‌های متکثر آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نظریه فرهنگ مانوئل کاستلز*

مرجان ادراکی^۱، پریسا شاد قزوینی^{۲*}

۱. پژوهش‌گر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء^(س)، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء^(س)، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۷

چکیده

بیان مسئله: امروزه رشد سریع تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطی زندگی بشر را به طرز گریزناپذیر متحول ساخته و مفاهیم، نگرش‌ها و زیست‌همسو با خود را شکل داده است. براساس نظریه فرهنگ «مانوئل کاستلز»، در دنیای امروز، تحولات تکنولوژیک و ظهور رسانه‌های جدید عاملی برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی و ایجاد گفتمان‌های متکثر در جوامع شده است؛ مسئله پژوهش حاضر نمود زوایای فرهنگ جدید از منظر کاستلز بر آثار دوسالانه هشتم نقاشی ملی ایران (۱۳۹۰) است، اینکه چگونه اموری همچون گفتمان‌های متکثر، فارغ از جغرافیای منطقه‌ای، خودگزینی و خودتولیدی محتوای فرهنگی برای هنرمندان مسئله‌ساز بوده و در آثار آن‌ها بازتاب یافته است.

هدف پژوهش: این پژوهش بنا دارد، با نگاه به نظریه کاستلز در تبیین فرهنگ در عصر ارتباطات و براساس فرایند ارتباطی و شکل‌گیری ارتباط جمعی خودانگیز، به خوانش آثار دوسالانه هشتم بپردازد. از آنجا که گفتمان‌های جاری در بساخت فرهنگی اجتماع و خلق آثار هنری هر دوره اهمیت دارند، این مقاله در صدد است، براساس نظریه فرهنگ کاستلز، گفتمان‌های متکثر آثار نقاشی دوسالانه هشتم را مورد مذاقه قرار دهد.

روش پژوهش: روش پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی است، تحلیل‌ها به صورت کیفی صورت پذیرفته‌اند و جامعه آماری پژوهش شامل ۱۸۶ اثر بخش دوسالانه هشتم نقاشی ملی ایران (۱۳۹۰) است. نتیجه‌گیری: نوشتار حاضر، براساس نظریه کاستلز که انقلاب فناوری و گسترش اطلاعات تمام سطوح جوامع را دگرگون کرده است، به اثبات این مهم دست یافت که دسترسی به دامنه فرهنگی و محتوایی آزاد در عصر اطلاعات سبب شده هنرمند شرکت‌کننده در دوسالانه هشتم در گزینش محتوای آثار به شیوه انفرادی عمل و خودگزینی و خودتولیدی محتواهای فرهنگی را در این عصر تجربه کند.

واژگان کلیدی: نقاشی معاصر ایران، هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران، کثرت محتوا، خودگزینی، مانوئل کاستلز.

دکتر پریسا شاد قزوینی در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه الزهراء به انجام رسیده است.
* نویسنده مسئول: shad@alzahra.ac.ir

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری مرجان ادراکی با عنوان «تحلیل عوامل قدرت از نظر کاستلز در جریان‌سازی نقاشی معاصر ایران (دهه ۹۰ مش.)» است که به راهنمایی

مقدمه و بیان مسئله

نقاشی جلوه‌گاهی از فرهنگ و هنر در تاریخ بشر است؛ این هنر، که تاریخچه‌ای دیرینه از اولین دوره غارنشینی بشر تا به امروز را در حافظه تاریخی خود دارد، بستری برای تولید محتوای فرهنگی و توضیح شرایط زیست بشر بوده و هست. لذا می‌توان گفت محتوای اثر هنری با محتوای اجتماعی تولید اثر رابطه تنگاتنگی دارد و خوانش این پیوند در دانش هنر بسیار مهم است.

در دنیای معاصر، با ظهور تکنولوژی، متغیرهای فرهنگی به‌طور گسترده و با پیچیدگی در شرایط زیست بشر وارد شده است. مانوئل کاستلز^۱ در زمره جامعه‌شناسانی قرار دارد که توانسته است به مفهوم‌سازی تحولات جامعه مدرن ناشی از گسترش فناوری اطلاعات، از جمله موبایل، اینترنت و شبکه‌های ارتباطی جمعی بپردازد. براساس نظر وی، «در جهان امروز، به‌علت گسترش تکنولوژی و فناوری ارتباطات، اطلاعات به‌صورت فراگیر در اختیار طیف وسیعی از کنشگران اجتماعی قرار می‌گیرد که خود نیز در تولید آن نقش دارند؛ بنابراین فرهنگ‌های خرد و کلان با همه تنوع در این بستر جدید گسترش یافته‌اند و، به‌جای روند فرهنگ جهانی همگن، تنوع فرهنگی و دگرگونی فرهنگی پدید آمده است» (کاستلز، ۱۳۸۰، ۳۸۲). انعکاس این تغییرات می‌تواند در همه ابعاد زندگی بشر، از جمله در هنر، نمود یابد و شاهدی بر ساختار این دگرگونی‌ها باشد.

ایران نیز، در مسیر توسعه و ظهور فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، در حال تجربه تغییرات اجتماعی و فرهنگی دنیای جدید است. سرعت ورود به دنیای تکنولوژی و تحولات بین‌المللی از اواسط دهه هشتاد (با گسترش شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای) افزایش یافت، در دهه نود به اوج خود رسید، و به‌سرعت نیز در حال نفوذ در لایه‌های مختلف اجتماعی است. هم‌زمان، و به‌موازات گسترش فعالیت‌ها در عرصه اینترنت و روابط بین‌المللی آزاد برای هنرمندان، از اواخر دهه هشتاد شمسی، جامعه هنری رشد یافت و فضای فرهنگی با تغییرات جدیدی ناشی از انقلاب فناوری جهانی مواجه شد. بر این اساس، نقاشی نیز، به‌منزله فعال‌ترین و پرمخاطب‌ترین عرصه هنرهای تجسمی، و رخدادهای مرتبط با آن در این سال‌ها می‌تواند بستر مناسبی برای درک برآیند تغییرات پیش‌گفته محسوب شود. دوسالانه هشتم نقاشی (۱۳۹۰)، به‌منزله یکی از رویدادهای جامع تجسمی ایران، می‌تواند نمود دستاوردهای هنری یک دوره از تحولات فرهنگی و اجتماعی باشد. این دوسالانه، که آخرین دوسالانه نقاشی کشور بود، با گردهم‌آوردن تعداد زیادی از هنرمندان جوان در کنار پیشکسوتان و اساتید دانشگاه برگزار شد و به دلایلی برخی هنرمندان و انجمن نقاشان آن را تحریم

کردند؛ این دوسالانه، برخلاف ادعای تحریم‌کنندگان که آن را فضایی در چارچوب ساختارهای گفتمان مسلط رسمی دولت می‌دانستند، سعی داشت تا فضایی آزاد برای دیده‌شدن جریان‌های جاری در نقاشی ایران و هنر نقاشان جوان فراهم کند. همچنین، از آنجا که دوسالانه هشتم به لحاظ زمانی با انقلاب فناوری معاصر و آغاز اوج تغییرات اجتماعی و فرهنگی مصادف بود، این دوسالانه می‌تواند بستر مناسبی برای مطالعه نمودهای فرهنگ ارتباطات از منظر مانوئل کاستلز باشد.

بر این اساس، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که «فرهنگ جدید دنیای فناوری اطلاعات از منظر مانوئل کاستلز چگونه در آثار دوسالانه نمود یافته است؟». از آنجا که دوسالانه هشتم به لحاظ زمانی با انقلاب فناوری معاصر و آغاز اوج تغییرات اجتماعی و فرهنگی در دهه نود مصادف بوده، فرض بر این است که فرهنگ فناوری ارتباطات به‌صورت گفتمان‌های متکثر و ورای مفاهیم ایدئولوژیک و گفتمان‌های مسلط فرهنگی در آثار نمود یافته باشد.

برای شناخت مفهوم فرهنگ از منظر کاستلز، نگارندگان نخست به مبانی نظری وی و چگونگی نمود فرهنگ در دنیای جدید می‌پردازند و سپس برای تبیین نظریه وی، با روش تحلیل محتوا، به کندوکاو در محتوای آثار وارد می‌شوند. مقاله حاضر بر این فرض استوار است که تنوع فرهنگی به همراه خودگزینی فردی (براساس نظریه کاستلز) در جامعه معاصر بر همه ابعاد زندگی، از جمله بر هنر، تأثیر گذاشته است و هنرمند، ورای مفاهیم ایدئولوژیک و گفتمان‌های مسلط و پیشین فرهنگی، دست به خلق اثر می‌زند.

پیشینه پژوهش

به‌منظور شناخت فضای پژوهشی معاصر، در پیشینه پژوهش، به بررسی و مطالعه تحقیقات انجام‌شده بر روی محتوا در نقاشی معاصر ایران پرداختیم که بر این اساس مشخص شد تعداد تحقیقات جامع و با نگاه تحلیلی در این حوزه بسیار اندک و محدود است. در آثار مذکور، از جوانبی مختلف به نقاشی سه دهه اخیر ایران نگاه شده است، گرچه با مرورشان می‌توان گفت که مسئله مؤلفان این آثار با اهداف مقاله حاضر همسو نیست. سجودی و طباطبایی یزدی (۱۳۹۳) در مقاله «ایدئولوژی جنسیتی بصری در آثار نقاشان زن و مرد با موضوع پرتره زنان در شش دهه گذشته در ایران» تعدیل نگاه جنسیتی به زنان در آثار نقاشان را مطرح می‌کنند. در مقاله «بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران با تأکید بر نگاه جنسی به زن»، شریعتی مزینانی و مدرس صادقی (۱۳۹۰) به شناخت نگاه زنان نقاش معاصر ایران به

قابل تطبیق نباشد، راه و روشی مشخص را برای پژوهشگر تعیین می‌کنند. بدین سبب برای پاسخی جامع به پرسش این پژوهش از نظریه جامعه‌شناسی مانوئل کاستلز بهره گرفته شده است. کاستلز به مفهوم‌سازی تحولات جامعه مدرن ناشی از گسترش فناوری اطلاعات می‌پردازد؛ برخی همچون میشل مازار او را «بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز جهانی و انحصاری عصر اطلاعات» می‌دانند (Mazzar, 2002, 5). در واقع آنچه آرای کاستلز را مهم کرده، و او را در مقام مقایسه با اندیشمندانی چون کنت، ماکس وبر و هابرماس قرار داده، مفهوم‌پردازی جدید او با عنوان «جامعه شبکه‌ای» در ازای جهانی است که با انقلاب فناورانه و اطلاعاتی همراه است.

او در نظریه خود شبکه‌های اطلاعاتی را عامل تبیین‌کننده و جهت‌دهنده در فعالیت‌های کنشگران اجتماعی از اواخر سده بیستم به بعد می‌داند و معتقد است «پیدایش سیستم نوین ارتباطات الکترونیکی در حال تغییر فرهنگ ماست و آن را برای ابد دگرگون می‌سازد» (کاستلز، ۱۳۸۰، ۳۸۴). انتشار اینترنت و شبکه‌های وابسته به آن دسترسی گسترده عموم را به شبکه‌های اطلاعاتی امکان‌پذیر می‌کند و محدودیت‌های دولتی یا تجاری را بسیار کاهش می‌دهد (اسلامی، ۱۳۹۳، ۹۶). تا پیش از قرن بیست و یکم، فرهنگ^۲ در قالب کنش‌های اجتماعی جامعه‌ای مشخص تعریف می‌شد، اما پس از آن با شکستن مرزهای ارتباطی و شکل‌گیری جامعه جهانی این مفهوم دگرگون شد.

از نظر کاستلز، فرهنگ معاصر مجموعه‌ای متکثر از فرهنگ‌هاست که تاریخ و جغرافیای هر نقطه از دنیا را به یکدیگر متصل می‌کند و از منابع مختلفی همچون حافظه جمعی، تعامل بین فردی، فعالیت اجتماعی سازمان‌یافته، منافع اقتصادی و سیاسی، انگیزه‌های جامعه‌شناختی، و نوآوری ذهنی، یعنی از کل قلمرو تجربه بشر، نشئت می‌گیرد (White, 2016, 5). این گفتمان‌های متکثر برآمده از بسترهای گوناگون فرهنگی بسط می‌یابند و مفهوم تعلق جغرافیایی را بر هم می‌زنند (Castells, 2007, 479).

مهم‌ترین رخدادی که سبب بروز گفتمان متکثر فرهنگی در جامعه شبکه‌ای می‌شود «ارتباط جمعی خودانگیز» است. «ارتباط جمعی»، که به‌طور بالقوه می‌تواند به مخاطب جهانی دست یابد، مانند ارسال یک فیلم ویدئویی بر روی یوتیوب، به این دلیل هم‌زمان «ارتباط خودانگیز» هم محسوب می‌شود که به لحاظ تولید پیام خودتولید است، از نگاه دریافت‌کنندگان بالقوه‌اش، خودگردان است و، در مقام بازیابی محتوا یا پیام‌های خاصی که بر بستر شبکه گسترده جهانی اینترنت موجودند، خودگزین تلقی می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۶، ۸۵). این حوزه قلمرو جدیدی است که در آن فرهنگ به‌طور تعاملی گسترده می‌شود و به‌طور جهانی

جنسیت زن و نحوه بازنمایی زن در آثار آن‌ها می‌پردازند. در مقاله‌ای دیگری، با عنوان «کشمکش‌های گفتمانی رئالیسم و ایدئالیسم در نقاشی ایران معاصر: طرح رویکردی برای مطالعه تاریخ اجتماعی هنر»، مریدی (۱۳۹۵) پنج دوره پرفرازنشیب از دوران پهلوی تا امروز را بررسی می‌کند و شکل‌گیری رئالیسم در دوران مشروطه تا انقلاب اسلامی و رئالیسم انتقادی در دهه هشتاد را مورد مطالعه قرار می‌دهد، که البته این امر با هدف پژوهش حاضر متفاوت است. مریدی (۱۳۹۷) همچنین در کتاب «گفتمان‌های فرهنگی و جریان‌های هنری ایران» به جامعه‌شناسی اجتماعی در تولید اثر هنری در تمام شاخه‌ها می‌پردازد و از نگاه جامعه‌شناختی و، با تحلیل سیاست‌های دولتی و گفتمان فرهنگی مسلط، روایتی اجتماعی از هنر معاصر را بازگو می‌کند. وی در این کتاب، با اشاره‌ای در حد چند خط به دوسالانه هشتم (همان، ۲۷۰)، بر عدم بازتولید سیاست‌های دولتی در آثار این دوسالانه تأکید می‌کند، که این نیز با مسئله پژوهش حاضر هم‌راستا نیست. نیل قاز (۱۳۹۰)، در مقاله «نقاشی رئالیستی معاصر در ایران و شرایط اجتماعی ظهور آن ۱۳۷۶-۱۳۸۸»، شرایط ظهور نقاشی رئالیستی معاصر در ایران در برهه مذکور را بررسی می‌کند. این اثر نیز به لحاظ مبانی نظری و روش با پژوهش حاضر تفاوت‌هایی قابل توجه دارد. یزدی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه دکتری خود در دانشگاه هنر اصفهان، با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی نقاشی معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی با تمرکز بر جشنواره‌ها و دوسالانه‌های نقاشی ملی و بین‌المللی»، به رویکردهای سازمانی متمرکز بر تولید آثار نقاشی در میدان‌های مورد نظر پرداخته و مسئله فرهنگ ارتباطات و جهان فناوری اطلاعات در مد نظر وی نبوده است. محبی (۱۳۹۴) در مقاله «جستاری در دوسالانه‌های نقاشی برگزار شده در ایران»، با مرور دوسالانه‌های نقاشی ملی و ذکر سیاست‌گذاران و برگزارکنندگان و برندگان، گزارشی تاریخی ارائه کرده و تحلیل آثار را با رویکرد نظری در مد نظر نداشته است. بدین ترتیب، پژوهشی که همسو با پژوهش حاضر باشد، و به مسئله بازتاب فرهنگ فناوری اطلاعات و گفتمان‌های متکثر در نقاشی معاصر ایران (هشتمین دوسالانه نقاشی) بپردازد، یافته نشد. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند توجه به ساختاری فرهنگی است که در سایه انقلاب فناوری شکل گرفته و سراسر جهان و تمام فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است.

مفهوم فرهنگ در نظریه کاستلز

نظریات جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در عرصه هنر، هرچند ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه باشند و کاملاً

تحلیلی است. گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و در این فرایند به کتاب‌ها، نشریات و سایت‌ها رجوع شده است. در نگارش مقاله نیز از روش توصیفی و تحلیل استفاده شده است. جامعه آماری، از میان رویدادهای جامع هنرهای تجسمی ایران که به صورت ملی و با فراخوان سراسری در کل کشور رقم می‌خورند، به دوسالانه‌های نقاشی محدود شده و از آن جمله آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران (۱۳۹۰) به‌منزله نمونه آماری انتخاب شده است. از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال خوانش آثار در پرتو نظریه فرهنگ کاستلز و پاسخ به این پرسش است که آیا آن‌ها نمایانگر گفتمان‌های متکثر در دنیای فناوری اطلاعات هستند، از میان آثار بخش موضوعی این دوسالانه، با عنوان «نگاهی نو به مکتب هرات» و بخش آزاد، به صورت هدفمند و همسو با هدف پژوهش و به‌منظور درک عمیق‌تر موضوع، آثار بخش آزاد با ۱۸۶ اثر انتخاب شده‌اند.

هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران

هشتمین و در واقع آخرین دوسالانه نقاشی ایران در سال ۱۳۹۰ در «مؤسسه فرهنگی و هنری صبا» برگزار شد. در این دوسالانه ۶۲۲۶ اثر از ۱۵۸۹ هنرمند به دبیرخانه دوسالانه ارسال شد که در دو مرحله مورد بررسی هیئت انتخاب (همایون سلیمی، کاظم چلیپا، عبدالحمید پازوکی، مصطفی گودرزی، مهرداد خطایی) و هیئت داوران (یعقوب عمادپیش، علی‌اکبر صادقی، شهلا حبیبی، واحد خاکدان، مصطفی گودرزی، ایشخوان اروش^۴، از مجارستان، و یوری دولان^۵، از اسلواکی)، قرار گرفتند (محبی، ۱۳۹۴، ۷). در نهایت، آثار منتخب در سه گروه به نمایش درآمدند: بخش هنرمندان مدعو، با ۵۰ اثر از ۵۰ هنرمند پیشکسوت؛ بخش آثار آزاد، با ۱۸۶ اثر منتخب هیئت داوران، و بخش موضوعی با عنوان «نگاهی نو به مکتب هرات»، با ۱۳۱ اثر منتخب هیئت داوران (زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۵). حضور حداقل سه نسل از هنرمندان در کنار یکدیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویداد هنری بود.

احمد وکیلی، دبیر، و جواد صادقی، دبیر اجرایی هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران بودند. این دوسالانه نخستین

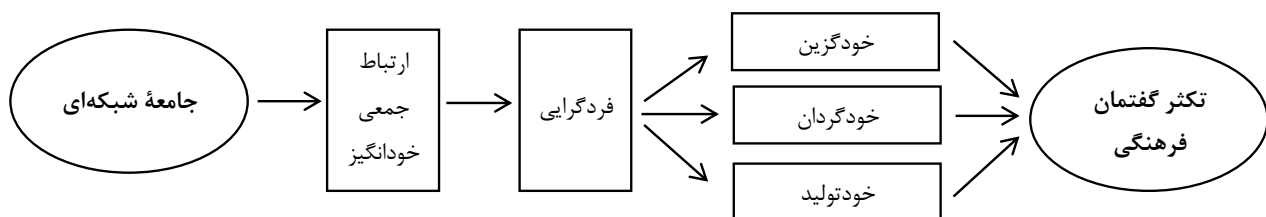
توزیع و تعامل می‌یابد. بر این اساس فردگرایی شبکه‌ای شکل می‌گیرد، لذا افراد با خودگزینی در انتخاب محتوا عوامل تعیین‌کننده ایجاد تغییر در محیط نمادین انگاره‌ها هستند و در تولید پیام خودتولید عمل می‌کنند.

در واقع کاستلز الگویی فرهنگی ارائه می‌دهد (تصویر ۱) که به‌موجب آن می‌توان محتوا و خاستگاه‌های متکثر و متنوع اجتماعی را در زندگی معاصر توجیه کرد. در این پژوهش، برای تفسیر مفاهیم کاستلز در بستر نقاشی معاصر ایران به تحلیل محتوای آثار پرداخته شده است. از آنجا که کاستلز بر محتوای شخصی تولیدشده تأکید دارد، با تعیین محتوای اصلی (بالاترین و نافذترین معنایی که از اثر برداشت می‌شود) و ثانوی (لایه‌های معنایی پنهانی که در اثر روایت می‌شوند) در اثر هنری، سعی کرده‌ایم میدان‌های غالب یا متکثر گفتمان‌های موجود در آثار مشخص شود. در این مسیر، عناصر تشکیل‌دهنده محتوا نیز مد نظر قرار گرفته‌اند.

عامل تعیین‌کننده دیگری که کاستلز مطرح می‌کند، و در بالا به آن اشاره شد، برهم خوردن مفهوم تعلق جغرافیایی در فرهنگ متکثر جامعه شبکه‌ای است. بنابراین، در بررسی آثار، تعلق جغرافیایی محتوا به موضوعات منطقه‌ای ایران یا فرامرزی بودن آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین کاستلز، زمانی که از فردگرایی در جامعه شبکه‌ای بحث می‌کند، تولید محتوای فردی در بستر اینترنت را محفلی برای نقادی از زوایای گوناگون در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌داند، نقادی‌ای که تمام افراد جامعه با دسترسی به ارتباط جمعی خودانگیز می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند. بر این اساس، زبان بیان یا زبان اثر^۳ یکی از جنبه‌های تحلیل اثر در این پژوهش است. لذا مواردی که از نظریه کاستلز استخراج شده به صورت قاعده‌مند در جدولی طراحی و برای تحلیل و خوانش آثار دوسالانه هشتم به کار برده شده‌اند (جدول ۱). موارد مذکور در بخش یافته‌ها قابل مشاهده‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش از سنخ پژوهش‌های نظری است. به تبع هدف بنیادین و روش، ارائه اطلاعات در اینجا به صورت توصیفی-

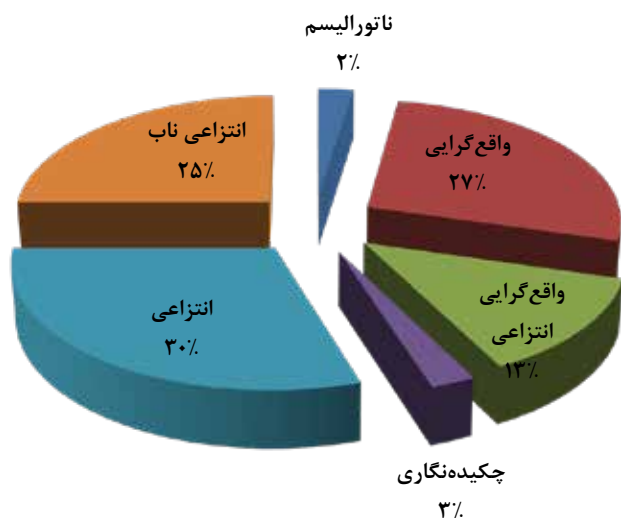


تصویر ۱. الگوی مفهومی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

آثار براساس روش هنری به تصویر ۲ محدود شده و این آثار براساس جدول ۱، که پیش تر شرح آن آمد، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، آثار انتزاعی ناب ۲۵ درصد از کل آثار را به خود اختصاص داده‌اند. طبقاً تحلیل مفاهیم فرهنگی معاصر در عصر فناوری و ارتباطات شامل این آثار نمی‌شود. بررسی‌ها در باب محتوا روی ۱۳۹ اثر دیگر انجام شده و آن‌ها در ۱۳۹ ردیف، مطابق جدول ۱، در شش ستون تحلیل و طبقه‌بندی شده‌اند. از آنجا که مقاله علمی-پژوهشی محدودیت‌هایی دارد، برای کوتاه‌شدن بحث، از میان ۱۳۹ اثر و جداول تحلیلی آن‌ها، تنها چند نمونه در بخش یافته‌ها آورده شده است. اطلاعات کلی ارائه شده در این ۱۳۹ ردیف، در ادامه، به‌طور کامل شرح داده و نتایج در تصاویر ۳، ۴، ۱۱ و ۱۲ مشخص شده است.

یافته‌ها

با ورود به دهه نود (میانۀ دولت دهم)، سال‌های اوج تکنولوژی و فناوری اطلاعات در ایران آغاز می‌شود و سرعت اینترنت کاربران شخصی به یک‌باره ۱۱۴۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۴ افزایش می‌یابد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). رشد فناوری‌های ارتباطی، که از اواسط دهه هشتاد آغاز شده بود، در دهه نود در مسیر توسعه کشور به اوج می‌رسد و تغییرات هرروزه‌ای را تجربه می‌کند؛ «جهان‌شمولی زبان دیجیتال و منطق شبکه‌ای سیستم ارتباطی جدید زمینۀ ارتباطات افقی (و رهایی از سلسله‌مراتب عمودی بالا به پایین صاحبان قدرت) و جهانی را فراهم می‌کرد» (کاستلز، ۱۳۹۶، ۳۸۳). آثار دوسالانۀ هشتم در این شرایط رسانه‌ای جدید شکل گرفتند. با خوانش این آثار از دید نظریۀ فرهنگ کاستلز، می‌توان میزان بازتولید گفتمان فرهنگ متکثر جهانی فارغ از



تصویر ۲. فراوانی روش‌های هنری در آثار هشتمین دوسالانۀ نقاشی ملی ایران براساس نتایج برآمده از تحلیل‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

دوسالانۀ تمرکززدایی شده بود که جز تهران شهرهای نیشابور و مشهد نیز در اجرای آن مشارکت داشتند. از آنجا که آخرین دستاوردهای هنری هر کشوری در بینال‌ها شکل می‌گیرد و نمایان می‌شود، دوسالانۀ نقاشی ایران نیز می‌تواند نمایانگر هویت ملی باشد و در جریان‌سازی فرهنگی و هنری کشور نقش تأثیرگذاری ایفا کند. دوسالانۀ هشتم با استقبال استعدادهای جوان، خلاق، باجسارت و جست‌وجوگر، که با فضای رشد فناوری اطلاعات در این سال‌ها روبه‌رو بودند، مواجه شد؛ اما از جانب برخی نقاشان متجدد، غیرسیاسی و انجمن نقاشان تحریم شد: «اکثر سیاست‌گذاران آن [دوسالانۀ] را نقاشان انقلاب، که در دوران ریاست احمدی‌نژاد دوباره مطرح شده و توانسته بودند از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بهره ببرند، شکل می‌دادند» (افسران، ۱۳۸۸، ۱۹۴).

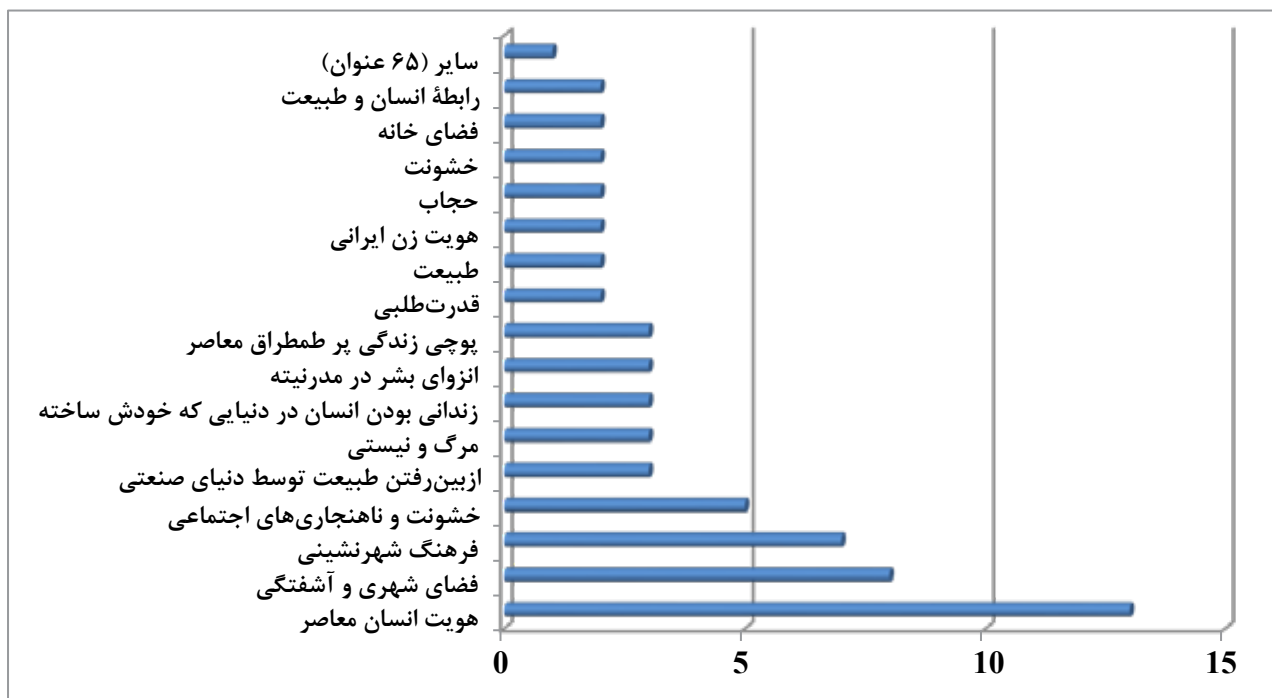
در این دوسالانۀ با مجموعه متنوعی از آثار انتزاعی و فیگوراتیو روبه‌رو هستیم که به بازنمایی طیف وسیعی از مضامین پرداخته‌اند. هنرمندانی جوان، از سراسر ایران، در این دوسالانۀ شرکت کردند که از جمله راه‌یافتگان به آن می‌توان به اسامی ذیل اشاره کرد: فاطمه جهانگیری (فارس) با اثر «سراب» (زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۷۸)، گل‌دسته قبادی (مازندران) با اثر «من در دنیای درونم» (همان، ۱۲۱)، مونا نراقی (تهران) با اثر «دیوارها» (همان، ۷۵)، ابراهیم نراقی (فارس) با اثر «اتاق من، شماره ۴۱» (همان، ۹۱)، ندا اعظمی (تهران) با اثر «من همینم که می‌بینی» (همان، ۱۶۸)، حمید اسدزاده (آذربایجان شرقی) با اثر «پرنده» (همان، ۱۶۸)، فاطمه ایران‌زاد (بوشهر) با اثر «ایثار» (همان، ۱۶۹)، نسیم ایرانی (گلستان) با اثر «باغچه‌ای که دیگر نیست» (همان، ۱۷۵)، لیلا بابکان (گیلان) با اثر «طبیعت» (همان، ۱۷۶)، مریم بیگ‌مرادی (کرمان) با اثر «چهار نفر بودند» (همان، ۱۱۸)، صبرینه توپچی (تهران) با اثر «سالمدان کهریزک» (همان، ۱۳۰). نکته جالبی که در این آثار دیده می‌شود بدون عنوان بودن تعداد قابل توجهی از آن‌ها (هم فیگوراتیو و هم انتزاعی) است.

از آنجا که در بررسی آثار هنری نگاه به فرم و محتوا اهمیت دارد، برای بررسی آثار دوسالانۀ هشتم در پژوهش حاضر نیز در ابتدا تمامی ۱۸۶ اثر به لحاظ روش هنری^۷ بررسی و در شش گروه دسته‌بندی شدند؛^۸ این شش گروه عبارت‌اند از: ناتورالیسم^۹ (طبیعت‌پردازی)، واقع‌گرایی^{۱۰} (رئالیسم)، واقع‌گرایی انتزاعی^{۱۱}، چکیده‌نگاری^{۱۲}، انتزاعی^{۱۳}، و انتزاعی ناب^{۱۴}. نتیجه در تصویر ۲ براساس کمیت آثار نشان داده شده است.

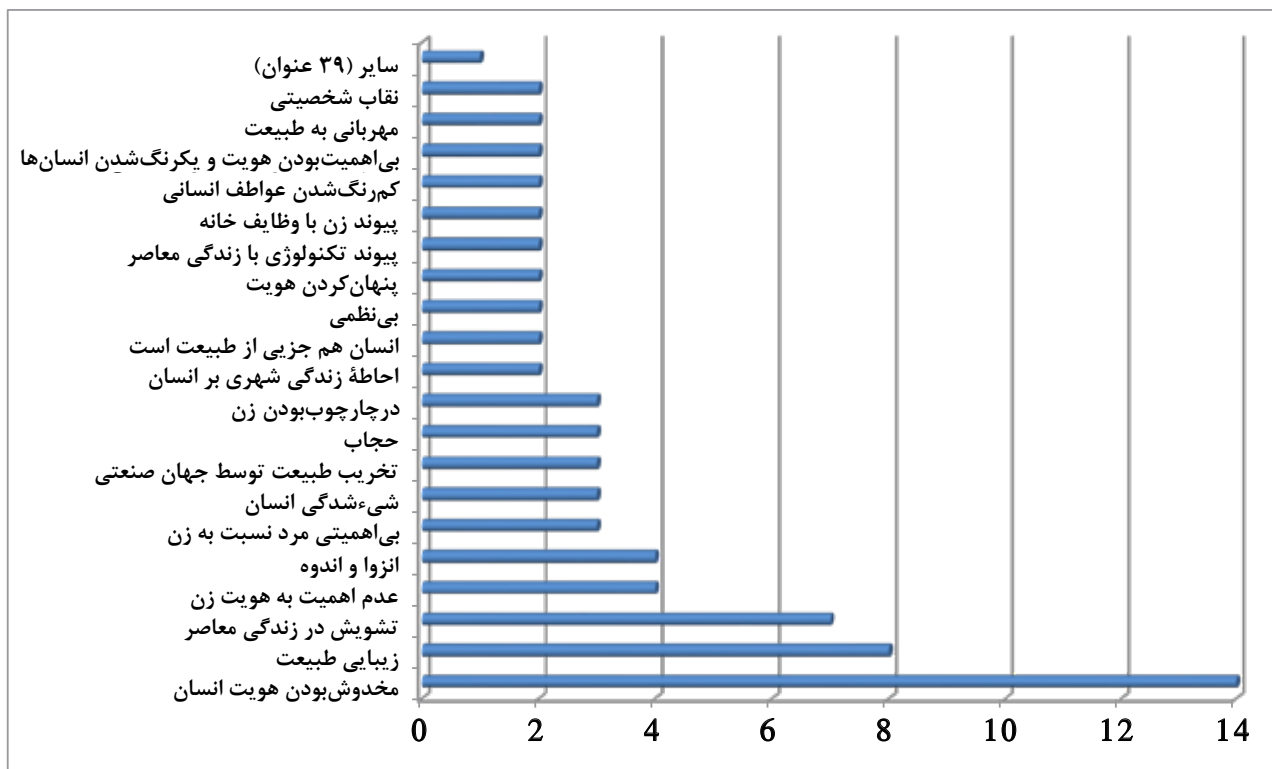
از آنجا که مسئله این پژوهش خوانش اثر به اقتضای زوایای فرهنگ جدید و چگونگی نمود آن در مفاهیم است، معرفی

نتایج حاصله، تنوع موضوعات تولیدشده قابل تأیید است و رد پای گفتمانی متمرکز و جریان‌هایی مشخص کمتر قابل تبیین و مشاهده است. این امر، از یک سو، ناشی از روند تزایدی فرهنگ جهانی ناهمگنی است که، براساس

مرزهای جغرافیایی را مورد تدقیق قرار داد. در روند پژوهش، در قدم اول، تحلیل محتوای اولیه آثار در مد نظر قرار گرفت که نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل ۱۳۹ اثر این دوسالانه در تصویر ۳ به‌صورت نمودار آمده است. براساس



تصویر ۳. بررسی تکرار محتوای اولیه در آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نتایج برآمده از تحلیل‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. تکرار محتوای ثانویه در آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نتایج برآمده از تحلیل‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

و اجتماعی شکل می‌گرفت؛ اما با تحولات دنیای فناوری و ارتباطات این ارزش‌گذاری‌ها دچار اختلال شده است. فرد با قرارگیری در برابر انبوهی از اطلاعات فرهنگی و هویتی این فرصت را دارد که ورای جغرافیای سیاسی و فرهنگی، بدون مرز و حد، به چه‌بودن خود و دیگری بیندیشد. بازتاب این نگرانه را می‌توان در اثر کریمی (تصویر ۶) مشاهده کرد.

همچنین در تحلیل محتوای اولیه شاهدیم که آشفتگی فضا و زندگی شهری (۸ اثر، مثلاً تصویر ۹)، زوایای فرهنگ شهرنشینی (۷ اثر، مثلاً تصویر ۷)، خشونت و ناپهنجاری‌های اجتماعی (۵ اثر) و سایر مضامین در تعداد محدودتر در این آثار به تصویر درآمده‌اند (تصویر ۷ افرادی از دهه شصت یا هفتاد ایران را در خارج از منزل به تصویر کشیده که گویا برای تفریح از خانه بیرون رفته‌اند. در این فضا و تاریخ، تکنولوژی هنوز تمام جوانب زندگی بشر را مانند امروز در بر نگرفته، اما باز هم در مرکز توجه است. همان‌طور که در عنوان اثر نیز تأکید شده، لحظه‌ای از «روزمرگی در زندگی شهری» ثبت شده است؛ در این فضا اعضای خانواده حتی در اوقات فراغت نیز بدون ارتباط عاطفی و کلامی با یکدیگر به تکنولوژی خیره مانده‌اند، مسئله‌ای که امروز با شدت بیشتری جوانب زندگی افراد را تحت تأثیر قرار داده است). همان‌طور که تصویر ۳ نشان می‌دهد، محتوای آثار در دسته‌ها و مضامین گوناگون پراکنده شده‌اند، به‌طوری که هیچ‌یک از مفاهیم بیش از ۱۰ درصد کل محتواها را به خود اختصاص نمی‌دهد. از سوی دیگر، مضامینی که تعدد بیشتر (البته محدود) داشته‌اند، مانند هویت انسان معاصر که در تحلیل محتوای اولیه بالاترین شاخص نمودار را به

نظریه کاستلز، فراگیر شدن آن سبب ایجاد گستردگی محتواهای فرهنگی در جوامع شبکه‌ای می‌شود - ایران نیز از این امر مستثنا نیست؛ از سوی دیگر، نشان از رشد فزاینده ارتباط جمعی خودانگیز به‌واسطه انقلاب فناوری دارد که به هنرمندان (به‌ویژه هنرمندان جوان) این امکان را می‌دهد که با دسترسی آزاد به محتواهای متکثر، در انتخاب ایده‌های خود، فارغ از زمان و مکان و به‌صورت خودگزین عمل کنند. براساس تصویر ۳، در ۱۳۹ اثر تحلیل‌شده، ۸۱ محتوای ناهمگن در آثار دیده می‌شود که در بیشتر موارد در دایره دغدغه‌های طبقه شهری معاصر قرار می‌گیرند، گرچه جلوه‌های متفاوت و متناقضی از انگیزه‌های شخصی مؤلفان را نیز به نمایش می‌گذارند.

در آثار دوسالانه هشتم، نه با محتواهای محدود و قابل دسته‌بندی بلکه با محتواهایی متعدد مواجهیم که نشان‌دهنده تکثر گفتمان‌ها یا خرده‌گفتمان‌های جاری و در دسترس هنرمند است، گفتمان‌هایی که صرفاً در فراگرد دال‌های مرکزی گفتمان ایرانی-اسلامی قرار نمی‌گیرند. براساس برآیند پژوهش در تصویر ۳، هویت انسان معاصر عمده مسئله‌ای است که هنرمندان در آثار دوسالانه هشتم به آن پرداخته‌اند (۱۳ اثر، مثلاً تصویر ۵ و ۶ که تحلیل آن‌ها در جدول ۱ آمده است). این امر از منظر کاستلز بازتاب فرهنگ ارتباطی است. تا پیش از شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای، فرهنگ به مجموعه آداب و رسوم، هنجارها، ارزش‌ها، اعتقادات و باورها، و به‌طور کلی به سبک زندگی جامعه‌ای خاص، اشاره داشت و باعث تمایز آن جامعه از دیگر جوامع می‌شد. هویت نیز در این ارزش‌گذاری فرهنگی



تصویر ۶. امیر کریمی، «لبخندها»، ۱۴۰×۱۵۰ س.م، اکریک و مرکب. مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۲۴.



تصویر ۵. کبری خاکی، «دختری با نقاب»، ۱۲۰×۱۰۰ س.م، رنگ روغن. مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۳۵.

درهم‌ریختگی رابطهٔ انسان با محیط پیرامونش را مشاهده کرد؛ در این اثر، از یک سو، تصویر انسان به‌گونه‌ای در کنار سایر اشیاء قرار گرفته که تشخیص شیء از جسم دشوار است و، از سوی دیگر، با حذف چهرهٔ فرد، بی‌اهمیتی هویت در این فضای آشفته و تعلیق انسان در محیط زندگی‌اش به تصویر کشیده شده است. جالب توجه است که در کنار تحلیل محتوای اولیه و ثانویه بررسی عناصر اصلی شکل‌دهندهٔ محتوا مشخص می‌کند که دغدغهٔ هنرمند در وهلهٔ اول انسان (۷۳ اثر) و سپس زندگی روزمره و عناصری پیرامونی (یا همان طبیعت بی‌جان) است که او را احاطه کرده‌اند. در این آثار عمدتاً عناصری دیده می‌شوند که در محیط خانه و کار قرار دارند، جسمی مثل میز مطالعه یا آشپزخانه‌ای عادی، اما در اکثر موارد این عناصر در پیوند با انسان معنا ساز شده‌اند؛ برآیند فراوانی و تکرار این عناصر در آثار منتخب در **تصویر ۱۱** مشخص شده است.

از دیگر نکات مهمی که با تحلیل ۱۳۹ اثر این دوسالانه مشخص می‌شود این است که محتوای تولیدشده در ۹۲ اثر بدون تعلق جغرافیایی‌اند (مثلاً **تصویر ۹ و ۱۰**) و فقط ۳۴ اثر را می‌توان متعلق به جغرافیای فرهنگی ایران دانست (مثلاً **تصویر ۵ و ۸**). این نتیجه یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که دایرهٔ محتوای فرهنگ معاصر در دنیای فناوری اطلاعات را به‌خوبی نمایان می‌سازد. هنرمند، برای تولید محتوای اثر، به جغرافیای خود محدود نیست. طبق الگوی ارتباط جمعی خودانگیز که کاستلز مطرح می‌کند، هنرمند در جامعهٔ شبکه‌ای با دسترسی آزاد به شبکهٔ ارتباطی، از یک سو، به محتوای دیجیتال نامحدود دسترسی دارد و، از سوی دیگر، در گسترش پیام خود از هر محدودیتی فارغ است. این امر معنای جغرافیا را درمی‌نوردد و سبب

خود اختصاص داده است، در بررسی‌های عمیق‌تر (تحلیل محتوای ثانویه) به دسته‌های مختلفی تقسیم شده‌اند؛ در این خصوص می‌توان به مفاهیمی همچون پنهان کردن هویت (**تصویر ۷**)، مخدوش شدن هویت انسان معاصر، بی‌هویتی، و بی‌اهمیتی هویت زن اشاره کرد.

بازنمایی زندگی روزمره با آدم‌های معمولی، چنانکه در این آثار نمود می‌یابد (مثلاً اثر نمایش داده‌شده در **تصویر ۸** بدون هیچ‌گونه اغراقی لحظاتی از زندگی روزمرهٔ زنی معمولی را به تصویر می‌کشد)، و اینکه هر کدام از آن‌ها مسائل فردی خود را بیان می‌کنند، ما را با این واقعیت مواجه می‌سازد که دغدغهٔ هنرمند مفاهیم کلان و گفتمان مسلط فرهنگی و سیاسی نیست و وی از جریانی مشخص تبعیت نمی‌کند. همان‌گونه که «جوامع معاصر در دنیای فناوری اطلاعات مفاهیم متکثری از فرهنگ جهانی تا خودهای محلی را در خود جای داده‌اند» (کاستلز، ۱۳۹۶، ۲۰۵)، هنرمندان نیز با خاستگاه‌هایی متکثر محتوایی متنوع را در خلق آثار خود به کار برده‌اند.

علاوه بر محتوای اولیه که در بالا از آن بحث شد، تکرار در محتوای ثانویه نیز قابل مشاهده است (۸۳ محتوا در ازای ۱۳۹ اثر تحلیل‌شده؛ برآورد نتایج در **تصویر ۴** دیده می‌شود). در این زمینه می‌توان به مواردی چون مخدوش بودن هویت (**۱۴ اثر**)، اغتشاش و تشویش در زندگی معاصر (۷ اثر)، زیبایی طبیعت (۸ اثر)، انزوا و اندوه (۴ اثر)، اهمیت‌ندادن به هویت زن (۴ اثر) و شیء‌شدگی انسان (۳ اثر) و غیره اشاره کرد. تکرار محتوایی در آثار نشان‌دهندهٔ شبکه‌ای نامتناهی از مصادیق فرهنگی است که از نظر کاستلز «نه‌تنها می‌توانند با یکدیگر همزیستی داشته باشند بلکه قادرند با هم تعامل نیز داشته باشند» (همان، ۵۲). مثلاً در **تصویر ۹** می‌توان اغتشاش و



تصویر ۸. زینب موجد، «شمارهٔ ۱۲ از مجموعهٔ بند رخت»، ۱۱۰×۱۳۰ س.م، اکریلیک و مداد روی بوم. مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۳۶.



تصویر ۷. مونا باقری، «روزمرگی در زندگی شهری»، ۱۲۰×۱۵۰ س.م، رنگ روغن روی بوم. مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۱۷.

آثار منتخب مورد مذاقه قرار گرفته است. طبق تصویر ۱۲، رئالیسم انتقادی (۲۷ اثر)، اکسپرسیونیسم انتقادی (۹ اثر)، و سمبولیسم (۱۸ اثر)، زبان بیان غالب در این آثارند، گرچه زبان‌های فمینیستی، ایدئالیستی و غیره نیز در آثار مذکور دیده می‌شوند. از آنجا که بخش عمده‌ای از این آثار با زبان انتقادی به تصویر درآمده‌اند، و با نظر به اینکه انتقاد از فردیت مؤلف و جدایی از جریان مسلط (جهت‌گیری از سوژه‌های بهنجار) برمی‌خیزد، می‌توان انتظار داشت که، با توجه به تعدد خطوط فکری مؤلف‌ها، محتواها و گفتمان‌های متکثری از این آثار پدید آمده باشد که منشأ آن‌ها، براساس نظریه کاستلز، در تحولات فرهنگی به‌سبب انقلاب فناورانه در جهان است.

نتیجه‌گیری

شرایط زیست هنرمند در هر دوره تاریخی بدون شک از مهم‌ترین مسائلی است که در اثر هنری وی بازتاب می‌یابد. زیست در عصر اینترنت و فناوری‌های دیجیتال همراه با تکثر محتواهای اطلاعاتی شرایطی را برای بشر و در این میان هنرمند به همراه داشته است. در عصر اینترنت، افراد به‌واسطه دنیای مجازی به انزوا کشیده نمی‌شوند؛ در مقابل، جامعه‌پذیری خود را با استفاده از تعداد زیادی از شبکه‌های ارتباطی که در اختیار دارند گسترش می‌دهند و در این میان مختارانه جهان فرهنگی خود را برحسب اولویت‌هایشان دنبال می‌کنند. این مسئله در آثار هنرمندان نیز با توجه به ارزش‌های شخصی‌شان تجلی می‌یابد. براساس نظریه کاستلز، ابرمتن الکترونیکی جدید مفاهیمی متکثر، از فرهنگ جهانی گرفته تا خودهای محلی، را در خود جای داده و مرتباً در حال به‌روزرسانی است، لذا زمان انتخاب‌های محدود به سر آمده و فرد در برابر ابرمتنی نامحدود قرار دارد. شرایط جدید، با تکیه بر ایجاد روابط جمعی خودانگیز، ظرف محتوایی متکثری در برابر هنرمند نقاش قرار می‌دهد و برای او این امکان را فراهم می‌آورد که با دسترسی به برنامه‌های منبع-باز در انتخاب ایده‌های خود به‌صورت خودگزین و در تولید محتوا به‌صورت خودتولید عمل کند.

در مواجهه با آثار دوسالانه هشتم نیز می‌توان تبعات تحولات دنیای فناوری اطلاعات را مشاهده کرد؛ زمانی که این مرجع جمعی به‌منزله منبعی فرهنگی در اختیار هنرمند قرار گیرد، دیگر محتوا به رسالت‌های پیشین یا گفتمان‌های مسلط و خواست طبقه‌ای مشخص محدود نیست. براساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، این معنا حاصل آمد که دامنه محتوایی آثار دغدغه‌های متکثر طبقه شهری معاصر است، و جلوه‌های متفاوت و متناقضی از انگیزه‌های شخصی مؤلفان آثار را به نمایش می‌گذارد. ذائقه هنرمندان (به‌خصوص هنرمندان

می‌شود اثر هنری، در مقام تولید پیام، خودتولید و هنرمند، در گزینش محتوا، خودگزین عمل کند. لذا هنرمند در بستر فرهنگ جامعه شبکه‌ای هر آنچه برایش تعلق خاطر ایجاد کند در قالبی جهان‌شمول به تصویر می‌کشد.

زبان هنرمند در خلق آثار این دوسالانه نیز از دغدغه‌های پژوهش حاضر بوده و این شاخص هم براساس تحلیل



تصویر ۹. الناز مقامی، «سقوط»، ۱۴۸×۸۷ س.م، ترکیب مواد روی بوم، مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۱۱.



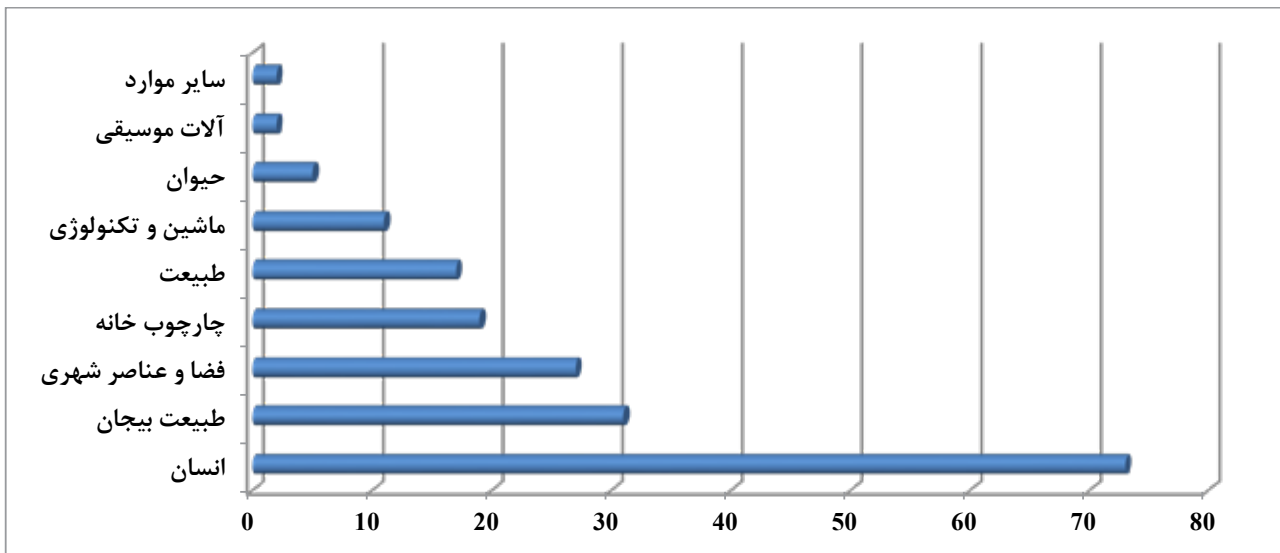
تصویر ۱۰. سیده فاطمه فاطمی، «بدون عنوان»، ۱۲۰×۱۰۰ س.م، اکریک. مأخذ: زنده‌روح کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۲۱.

رشد رسانه‌های جدید دال مرکزی مقاومت اسلامی را دنبال می‌کرد؛ اما، برخلاف شرایط موجود و انتظار تحریم‌کنندگان این دوسالانه، گفتمان مسلط و هدایت‌شده‌ای در محتوای غالب آثار دیده نمی‌شود، بلکه برعکس در این آثار شاهد بروز گفتمان‌های انتقادی در باب زندگی معاصر بشر هستیم. دلیل این امر، طبق نظریه کاستلز، رشد فردگرایی است. در دنیای فناوری ارتباطات افراد، از طریق ارتباط جمعی خودانگیز، مسیری سریع برای دریافت اطلاعات و گسترش ایده‌ها در اختیار دارند.

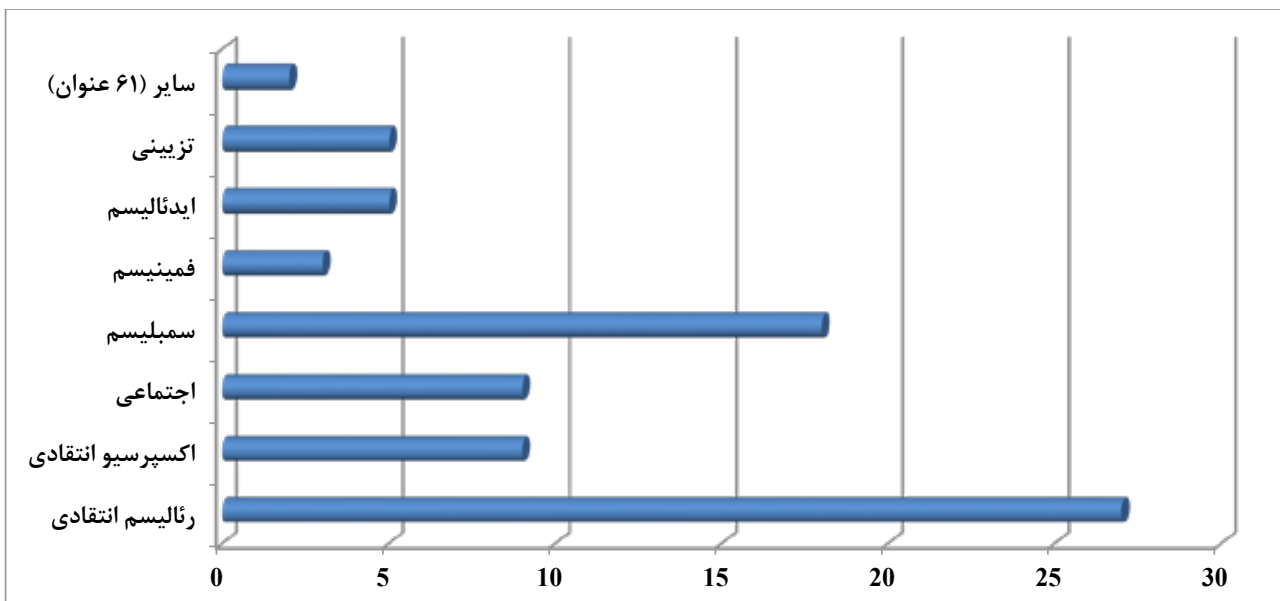
با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته در خصوص آثار بخش آزاد هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران این نتیجه حاصل می‌شود که در آن‌ها تنوع بسیار زیادی در ایده‌پردازی وجود

جوان^{۱۵}) از یکدستی و در جهت جریانی مشخص قرار گرفتن به نایکدستی و تکثر جریان‌ها تغییر یافته است؛ اینترنت و شبکه‌های مجازی، این حوزه‌های عمومی نوظهور، از علل این امرند. رسانه‌های جدید سلیق و نگرش‌ها را گسترش داده و فرهنگ جوامع را با محتوایی متنوع روبه‌رو کرده است. دیگر زیست فرد در جغرافیای مشخص (قاره، کشور، کلان‌شهر، روستا و ...) معنای خود را از دست داده است، به‌گونه‌ای که امروزه تمامی افراد در سراسر جهان با اتصال به شبکه‌های مجازی به مفاهیم گسترده‌تری دسترسی دارند.

از طرفی، برگزاری این دوسالانه با دولت اصولگرایی دهم مصادف است که رسالت اصلی خود را حفظ اسلام و تعهد و عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی می‌دانست، و در برابر



تصویر ۱۱. عناصر اصلی شکل‌دهنده محتوا در آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نتایج برآمده از تحلیل‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۲. زبان اثر در آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نتایج برآمده از تحلیل‌های پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. تحلیل تصاویر ۵ تا ۱۰ (نمونه‌ای از تحلیلی که در سیر پژوهش بر تمام ۱۳۹ اثر مورد مطالعه اعمال شد). مأخذ: نگارندگان.

شماره تصویر	روش هنری	محتوای اولیه	محتوای ثانویه	تعلق جغرافیایی محتوا	عناصر اصلی شکل دهنده محتوا	زبان اثر
۵	واقع‌گرایی	هویت انسان معاصر	پنهانکاری هویت	دارد	انسان	رنالیسم انتقادی - فمینیسم
۶	واقع‌گرایی	هویت انسان معاصر	چندگانگی و تکثر هویت	ندارد	انسان	اجتماعی
۷	واقع‌گرایی	فرهنگ شهری؛ زندگی معاصر	- اهمیت تکنولوژی - عدم توجه به یکدیگر	ندارد	- انسان - ماشین و تکنولوژی - طبیعت بیجان	رنالیسم انتقادی
۸	واقع‌گرایی	زندگی روزمره؛ فضای شهری	زن و مسئولیت خانهداری	دارد	- انسان - فضا و عناصر شهری	رنالیسم انتقادی
۹	واقع‌گرایی انتزاعی	آشفته‌گی فضای زندگی شهری	- عدم اهمیت هویت فرد - هجوم عناصر زندگی به فرد	ندارد	- انسان - طبیعت بیجان	اکسپرسیو انتقادی
۱۰	واقع‌گرایی	هویت انسان	- زشتی و زیبایی - قیاس تکنولوژی و تاریخ	ندارد	- انسان - طبیعت بیجان	اکسپرسیو انتقادی

دارد. در واقع، همان‌گونه که کاستلز مطرح می‌کند، فرهنگ جدید می‌تواند هر چیزی را شامل شود و آن را به نوعی فرهنگ متنی کمی تبدیل کند؛ لذا می‌توان استدلال کرد دوسالانه هشتم، که به لحاظ زمانی با انقلاب فناوری معاصر مصادف بوده، ورای مفاهیم ایدئولوژیک موجود در مضامین آثار، خودگزین و خودتولید عمل کرده و هنرمند، در مقام نماینده انسان تکنولوژیک عصر فناوری اطلاعات، انفرادی و خودمحمور حرکت کرده است.

پی‌نوشت

- کاستلز جامعه‌شناس اسپانیایی و نویسنده سه‌گانه مهم «عصر اطلاعات» است. کاستلز حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری، مطالعات سازمانی، مطالعات فضای مجازی، جنبش‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی فرهنگ و اقتصاد سیاسی را در کنار هم مطالعه می‌کند تا تحلیلی بین‌رشته‌ای از جهان پیچیده رسانه‌ای شده امروز به دست دهد (حمیدزاده، ۱۳۹۴، ۲).
- در تفکر انسان‌شناختی، فرهنگ به مجموعه آداب و رسوم، هنجارها، ارزش‌ها، اعتقادات و باورها و به‌طور کلی سبک زندگی جامعه‌ای خاص اشاره دارد که باعث تمایز آن جامعه از دیگر جوامع می‌شود. طبق این دیدگاه، همه ملت‌ها دارای فرهنگی خاص هستند که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کند (ریوز، ۱۳۸۷، ۱۵).
- معانی وضعیت‌مند شده‌ای که در موقعیتی خاص اتفاق می‌افتند (Paul Gee, 2011).
- Ishtvan Arusch
- Yuri Dolan
- در سال‌های آخر دهه هشتاد، نقش فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات بسیار پررنگ و کلیدی شد. با روند توسعه کشور، ظرفیت پهنای باند اینترنت به‌گونه‌ای افزایش یافت که ظرفیت پهنای باند اینترنت کشورمان از ۱۲ لینک STM1 در سال ۱۳۸۴ به ۱۳۷ لینک STM1 در سال ۱۳۸۹ رسید؛ این رقم رشد ۱۱ برابری، معادل ۱۱۴۰ درصد، را در این زمینه نشان می‌دهد. همچنین حجم واگذاری پهنای باند اینترنت بین‌الملل به مشتریان در سال ۱۳۹۰ برابر کل ده سال گذشته بود (سازمان فناوری اطلاعات ایران، ۱۳۹۱) که حجم

- وسیع‌تری از این کاربران اینترنت را جوانان و افراد تحصیل کرده تشکیل می‌دادند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).
- اصطلاحی که به طرز تلقی زیبایی‌شناختی معینی اشاره دارد. مفهوم روش هنری جامع‌تر از سبک شخصی است و نوع جهان‌نگری و شیوه بیان عام‌تری را دربرمی‌گیرد. هنرمندان مختلف با سبک‌های متفاوت ممکن است روش هنری واحدی را به کار گرفته باشند (پاکباز، ۱۳۷۸، ۲۵۷).
- این دسته‌بندی صرفاً برای تسریع مراحل پژوهش و رسیدن به هدف این مقاله در تحلیل محتوای آثار صورت گرفته است. نویسندگان قائل به این‌اند که روش هنری آثار جزئی‌تر قابل تعمیم است، اما شیوه هنری آن‌ها، از آنجا که بیشتر به فرم و ظاهر اثر توجه دارد و این امر در چارچوب مقاله حاضر نمی‌گنجد، قابل بررسی در پژوهشی جداگانه است.
- ناتورالیسم (naturalism): بازنمایی توصیفی و تا حد ممکن دقیق چیزهای دیدنی و دیده‌شده (همان، ۳۴۸).
- رنالیسم (realism) یا واقع‌گرایی به‌مثابه روشی هنری قابل تعمیم به بسیاری از سبک‌ها یا اسلوب‌های معین است. رنالیسم را در آثاری می‌توان بازشناخت که هنرمند از سطح ظواهر عینی فراتر می‌رود، حقایقی از روابط گوناگون و پویایی انسان‌ها را با یکدیگر و با محیطشان بیان می‌کند و به‌طور کلی با مسئله انسان چیست و چه می‌تواند شود درگیر است (همان، ۲۷۶).
- abstract realism
- چکیده‌نگاری (stylization): بازنمایی ویژگی‌های اساسی و بازشناختی چیزهای طبیعی بر طبق شیوه‌ای قراردادی، که معمولاً با روش‌های ساده‌سازی، تکرار منظم، قرینه‌سازی، تغییر تناسبات، و اغراق صوری انجام می‌گیرد (مثلاً در نگارگری ایران) (همان، ۱۹۳).
- انتزاع (abstraction) در هنر زبده‌گزینی از طبیعت معنا می‌دهد و روش‌های گوناگون دارد. مشخصه بسیاری از روش‌های انتزاع به درجات مختلف این است که سنت بازنمایی واقعیت مشهود و محسوس را کنار می‌گذارند یا کم‌اهمیت می‌شمارند و ابداع واقعیتی تازه برای ادراک بصری را کارکرد اساسی هنر می‌دانند (همان، ۴۹).
- انتزاعی ناب (pure abstract): معرف اثر هنری عاری از هر گونه شباهت و بدون موضوع مشخص که زبده‌گزینی از صور طبیعی را دنبال نمی‌کند (همان، ۶۵۳).
- نتایج این مطالعه در میان نقاشان جوان شرکت‌کننده در بخش آزاد دوسالانه هشتم صادق است و هنرمندان صاحب‌نام، به‌علت شرکت‌نکردن ایشان در بخش آزاد، مورد مطالعه نبوده‌اند.

فهرست منابع

- اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۳). *رهایی یا انقیاد: فلسفه سیاسی تکنولوژی اطلاعات در قرن بیستم*. تهران: تیسرا.
- افسرینان، ایمان. (۱۳۸۸). بی‌ینال قدرت: میدان رقابت هنرمندان نقاش. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۱(۲)، ۱۷۱-۱۹۵.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۸). *دایرةالمعارف هنر: نقاشی، پیکره‌سازی و هنر گرافیک*. تهران: فرهنگ معاصر.
- حمیدزاده، غلامرضا. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی شبکه‌ای (زندگی و آثار مانوئل کاستلز)*. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۸(۲)، ۴۲-۴۶.
- ریوز، جولی. (۱۳۸۷). *فرهنگ و روابط بین‌الملل: روایت‌ها، بومیان و توریست‌ها (ترجمه محسن بیات)*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- زنده‌روح کرمانی، مسعود. (۱۳۹۱). هشتمین دوسالانه ملی نقاشی ایران. تهران: مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر.
- سازمان فناوری اطلاعات ایران. (۱۳۹۱). *نرخ رشد پهنای باند و دسترسی به اینترنت در کشور*. قابل دسترسی در: <https://ito.gov.ir/uploads/images/gallery/file>
- سجودی، فرزانه و طباطبایی یزدی، لیلیا. (۱۳۹۳). *ایدئولوژی جنسیتی بصری در آثار نقاشان زن و مرد با موضوع پرترة زنان در شش دهه گذشته در ایران*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۶(۲)، ۱۸۷-۲۱۲.
- شربعتی مزینانی، سارا و مدرس صادقی، مریم. (۱۳۹۰). *بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران با تأکید بر نگاه جنسی به زن*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۳(۲)، ۳۵-۴۵.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ج. ۳) (ترجمه عبدالاحد علیقلیان و افشین خاکباز)*. تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۶). *قدرت ارتباطات (ترجمه حسین بصیریان جهرمی)*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- محبی، بهزاد. (۱۳۹۴). *جستاری در دوسالانه‌های نقاشی برگزارشده در ایران*. مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در
- هنر و علوم انسانی، ۱، ۱-۱۰. قابل دسترسی در: <https://civilica.com/doc/431815>
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *نتایج آمارگیری از کاربران اینترنت در یک دهه از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۹*. قابل دسترسی در: https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1389/n_IT_89.pdf
- مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). *کشمکش‌های گفتمانی رئالیسم و ایده‌آلیسم در نقاشی ایران معاصر: طرح رویکردی برای مطالعه تاریخ اجتماعی هنر*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۸(۲)، ۸۱-۱۱۲.
- مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۷). *گفتمان‌های فرهنگی و جریان‌های هنری ایران؛ کندوکاوی در جامعه‌شناسی نقاشی ایران معاصر*. تهران: دانشگاه هنر.
- نیل قاز، نسیم. (۱۳۹۰). *نقاشی رئالیستی معاصر در ایران و شرایط اجتماعی ظهور آن ۱۳۷۶-۱۳۸۸*. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۳(۱)، ۳۷-۷۴.
- یزدی، میثم. (۱۳۹۶). *تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی نقاشی معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی با تمرکز بر جشنواره‌ها و دوسالانه‌های نقاشی ملی و بین‌المللی*. پایان‌نامه منتشرشده دکتری پژوهش هنر. دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- Castells, M. (2007). A rejoinder: On power, identities and culture in the network society. *New Political Economy*, 3(3), 473-483.
- Mazzar, M. (2002). *Information Technology and World Politics*. New York: Palgrave Macmillan.
- Paul Gee, J. (2011). *How to Do Discourse Analyses: A Toolkit*. New York and London: Routledge.
- White, A. (2016). Manuel Castells's trilogy the information age: economy, society and culture. *Information, Communication & Society*, 19(12), 1673-1678.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ادراکی، مرجان و شاد قزوینی، پریسا. (۱۴۰۰). خوانش گفتمان‌های متکثر آثار هشتمین دوسالانه نقاشی ملی ایران براساس نظریه فرهنگ مانوئل کاستلز. *باغ نظر*، ۱۸(۹۹)، ۷۹-۹۰.

DOI: 10.22034/bagh.2021.231604.4550
URL: http://www.bagh-sj.com/article_134224.html

